

بسم الله الرحمن الرحيم

شناخت اسلام

و

تبلیغ جهانی

از بیانات

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی
حاج سید صادق حسینی شیرازی مدظلّه

شناسنامه کتاب

شناخت اسلام و تبلیغ جهانی

بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی

حاج سید صادق حسینی شیرازی مدظلّه در سالروز شهادت پیامبر اکرم ﷺ

انتشارات: ... یاس زهرا

نوبت و تاریخ چاپ: ... اول تابستان ۸۹

تیراژ: ... ۵۰۰۰ جلد

چاپخانه: ... سیمای کوثر

قیمت: ... ۷۵۰ تومان

شابك:

سخنان حضرت زهرا علیها السلام در واپسین دم

بعد از شهادت پیامبر خدا ﷺ حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام و حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیه السلام در همان روزهای اول، سخنانی اساسی و راهگشا ایراد کردند که برای اهل تأمل و تفکر نقطه‌ی آغازی است تا بر اساس آن به روش‌های عملکرد و رفتار صحیح در سطح دنیا پی ببرند. با این جمله‌ها می‌توان به راه‌های رفتار صحیح، که مورد رضایت خدای متعال، پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام می‌باشد، دست یافت.

جوانان و ضرورت مطالعه ی سخنان اهل بیت علیهم السلام

جوانان سراسر گیتی سزاوار است این آموزه‌های امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهما السلام را بخوانند و به صورت گروهی به بحث بگذارند و در آن تأمل کنند و از این راه در پی کشف معانی این سخنان ناب آن پاکان باشند و خواسته‌ی آن بزرگواران را مد نظر قرار دهند، حوادث پس از شهادت رسول خدا ﷺ، یعنی بر هم زدن مبانی اسلام و چگونه پای گرفتن دوباره‌ی اسلام را بررسی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین

ولعنة الله علی أعدائهم أجمعین^۱

با عرض تعزیت به مناسبت شهادت سید الأولین و الآخرین، حضرت محمد مصطفی ﷺ و شهادت سبط اکبر، امام حسن مجتبی علیه السلام - که به قولی در چنین روزی است، هر چند عمل و نظر علمای بزرگ و مراجع شیعه در روز هفتم صفر بوده است - و عرض تعزیت به مناسبت سالروز شهادت امام رضا علیه السلام، که در آخر این ماه است. از تمام کسانی که در این دو ماه محرم و صفر خصوصاً دهه‌ی عاشورا، شب و روز عاشورا دچار مشکلاتی شده‌اند، رنجی دیده‌اند و صبر پیشه کرده و با اخلاق خوب برخورد نموده‌اند و شعائر و مراسم حسینی را در سراسر دنیا إقامة کرده‌اند، تشکر می‌کنم.

۱. بیانات مرجع عالی قدر، که در تاریخ ۲۸ صفر ۱۴۳۱ق. و در سالروز شهادت پیامبر اکرم ﷺ ایراد شده است.

کنند و این که چگونه می توان بار دیگر مبانی اسلام را عملی کرد و مردم دنیا را از این مشکلات فراگیر و پردامنه ای که در سراسر دنیا وجود دارد، نجات داد.

بنابراین همه، به ویژه جوانان را به مطالعه و بحث این سخنان پربار سفارش می کنم. شاید از این رهگذر - ان شاء الله تعالی - مقدمه ی خوب و زودپایی برای ظهور حضرت بقیة الله الأعظم مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه فراهم شود.

نمونه ای از سخنان حضرت زهرا علیها السلام

در این جا جمله ای از حضرت زهرا علیها السلام مورد بررسی قرار می گیرد که خطاب به زنان مهاجرین و انصار است و زمانی بیان شد که آن حضرت در بستر بیماری بودند. آنان به حضرت زهرا علیها السلام گفتند:

«کیف أصبحت عن علتک؟»^۱ امروز با بیماری ات چگونه ای؟».

۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۶۱.

حضرت به جای پاسخ به این سؤال مطالبی دیگر بیان کردند که مضمون چند جمله اش این است: «پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله برای دنیا موجی از آرامش فراهم آوردند، جنگ سیصد ساله را خاموش کردند، دشمنی ها را به دوستی تبدیل کردند، یهودیان را - که به گفته ی قرآن با مؤمنان عداوت بسیار شدیدی دارند^۱ - با سه چیز به دامن اسلام آوردند، احبار و علمای یهود مسلمان شدند، تاجران یهود نیز اسلام را پذیرفتند و برای بعد از شهادتشان، جان و نفس^۲ خود - به تعبیر قرآن - یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام را به جانشینی خود تعیین کردند، این ها امیرمؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را که جانشین و نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است کنار زدند».

دنیا و دین شناس

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در ضمن سخنان خود در وصف امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: «والطین بأمر الدین والدین»^۳ طین

۱. نك: سورة مائدة، آیه ۸۲.

۲. نك: سورة آل عمران، آیه ۶۱.

۳. بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸ تا ۱۶۱ و معانی الاخبار، ص ۳۵۴.

یعنی خبره، لذا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام هم دنیاشناس بودند و هم دین‌شناس.

بنابراین به کسی ستم کردند که در اوج دنیاشناسی و دین‌شناسی بود، و با کنار زدن او دنیا و دینشان را از دست دادند. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام مثل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خبره‌ی دنیا و دین بودند. این‌که امیرالمؤمنین علیه السلام نفس رسول الله صلی الله علیه و آله خوانده شده‌اند، بدین معناست که این دو بزرگوار خبره و مانند یکدیگرند.

مرحوم محدث قمی رحمته الله در مفاتیح الجنان و مرحوم اخوی (حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی رحمته الله) آورده‌اند که در سالروز شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مردم به زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف می‌روند و به آن حضرت تعزیت می‌گویند، چون ایشان نفس رسول الله صلی الله علیه و آله می‌باشند.

کفایت سیاسی

خبره‌ی دنیا و دین به تعبیر امروزی، فرد دارای «کفایت سیاسی» است. به راستی قبل از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و بعد از آن حضرت چه کسی

خبره‌ی دنیا و دین بوده و کفایت سیاسی داشته است؟ خیلی‌ها از جمله: یزید، منصور دوانیقی، هارون و مأمون به نام اسلام حکومت کردند. چنین حاکمانی معتقد بودند که حکومتشان بر پایه اسلام است و خلیفه‌ی پیامبرند. زبانشان از اسلام، قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گفت، اما زیر این پوشش، امام حسین و امام صادق و امام رضا و دیگر معصومین علیهم السلام را به شهادت می‌رساندند و البته تاریخ از این قضایا پر است، مطالعه کنید و ببینید.

با نگاهی به شکنجه‌ها و ستم‌هایی که در تاریخ حیات بشر اعمال شده، عظمت و اهمیت ارمغان رسول خدا صلی الله علیه و آله برای دنیا روشن می‌شود، متأسفانه پس از شهادت آن حضرت، خواسته‌ها و روش‌های آن حضرت را منحرف کردند، در نتیجه بر سر دنیا و دین آمد آنچه آمد و تا به امروز جهان شاهد آن و فزون‌تر از آن است.

آغاز انحراف

پس از شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله، جریان انحرافی، دین را از راه صحیح و الهی‌اش منحرف کرد. زمانی به اوج این مسأله می‌توان

پی برد که در این زمینه مطالعه‌ای - تقریباً - فراگیر داشت. کتابی در هفت جلد منتشر شده است به نام «موسوعة العذاب». نویسنده در این کتاب سعی کرده است تمام گونه‌های شکنجه در طول تاریخ، از زمان نمرود و فرعون تا شکنجه‌هایی که در ایران باستان، روم و یونان، یهودیان و مسیحیان و مانند اینها اعمال شده، به قدر توان خود جمع کند. فرهیختگان و اهل مطالعه را به خواندن این کتاب دعوت می‌کنم تا ببینند بر سر انسان چه گذشت و ستمگران تاریخ چگونه رفتار می‌کردند. شکنجه‌هایی که بنی‌العباس، بنی‌امیه و بنی‌عثمان به نام اسلام بر ضد مسلمانان به کار می‌بردند، در این کتاب آمده است.

ریاکاری حاکمان خودسر

رهبران این حکومت‌ها، مثل یزید و معاویه، مانند امام حسین (علیه‌السلام)، عمامه بر سر می‌گذاشتند، محاسن داشتند، نماز را به جماعت می‌خواندند و به تقوا امر می‌کردند، ولی عقیده و رفتاری کاملاً مخالف اسلام داشتند. پول جعلی که فردی متخصص در

جعل و تقلب ضرب یا چاپ کند، با پول غیر جعلی شبیه و تشخیص آن از یکدیگر برای افراد ناآگاه و کم‌اطلاع دشوار است و هر کسی نمی‌تواند فرق آن را تشخیص دهد.

در میانه‌ی جنگ جمل که يك طرف حضرت امیرمؤمنان (علیه‌السلام) و جمعی از اصحاب حضور داشتند و در طرف مقابل طلحه و زبیر و گروهی از اصحاب. ناگاه شخصی پیش آمد و گفت: «یا امیرالمؤمنین، هر دو طرف شرکت کننده در جنگ، اصحاب پیامبرند، امام جماعت دارند و نماز را به جماعت می‌خوانند. در این طرف امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و در طرف مقابل زبیر و گاهی عبدالله بن زبیر به امام جماعت ایستاده‌اند و ده‌ها هزار نفر به زبیر یا عبدالله بن زبیر اقتدا کرده‌اند. حال چگونه تشخیص دهیم که کدام يك بر حق است و کدام يك بر باطل و راه شناخت حق از باطل کدام است؟

راه شناخت حق از باطل

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در باز شناساندن حق از باطل فرمودند:

«إعرف الحق تعرف أهله، إعرف الباطل تعرف

أهله؛^۱ حق را بشناس بستگان آن را خواهی شناخت، و باطل

را بشناس باطل گرایان را خواهی شناخت».

یکی از نواصب و دشمنان سرسخت شیعه و از دشمنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام که اهل علم است و با ادبیات عرب آشناست، اقرار دارد که علی بن ابی طالب علیه السلام نه جمله دارد که اگر آنها را از فرهنگ مکتوب عرب بگیریم، فصاحت و بلاغت عربی کور خواهد شد که جمله‌ی پیشین از همان جمله‌هاست.

آری، با درک و شناخت معیارهای قرآنی، پیروان حق و باطل گرایان را به خوبی خواهیم شناخت. خیلی‌ها از سر ساده اندیشی در شناخت حق درماندند. تمام آن‌هایی که دنبال یزید بودند، نمی‌دانستند که یزید فرد پلیدی است، لذا کار او و حضور خود در کنار یزید را توجیه می‌کردند. پیروان هارون و سایر خلفای ستمگر هم همین‌طور بوده‌اند.

۱. امالی طوسی، مجلس پنجم، ص ۱۳۴، ح ۲۹ و بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۱۲۶.

نمونه‌ای از جنایات یزید

یزید در سال اول حکومتش امام حسین علیه السلام را به شهادت رساند و در سال دوم به مدینه حمله کرد و سه روز شهر مدینه شهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بر سپاه خود مباح کرد، بدین معنی که سپاه او ناموس، مال و جان مردم مدینه را در این سه روز روا کردند و سپاه خونخوار او هر چه می‌خواستند انجام دادند. مردم در این سه روز به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله پناه بردند، ولی لشکریان یزید - که خود را خلیفه آن حضرت می‌دانست - آن‌قدر از آن‌ها کشتند که خون کشته‌شدگان با قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که به اندازه يك وجب از زمین بلندتر بوده همسطح شد، چنان که در تاریخ آمده است:

«حتى ساوى الدم قبر رسول الله صلی الله علیه و آله؛^۱ تا آن که خون کشتگان

با قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله برابری کرد».

به راستی چقدر باید خون ریخته باشند تا این خون‌ها مثل جوی آب جاری شود؟

۱. مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۷۵.

همچنین نوشته‌اند که در آن سال از دخترهای باکره و شوهر ندیده، هزار فرزند به دنیا آمد. این امر نیز اوج بدکارگی آنان را می‌رساند و این که چقدر باید تجاوز صورت گرفته باشد که هزار مورد آن به تولد نوزاد انجامیده است؟

تمام این‌ها بعد از شهادت رسول خدا ﷺ و پس از آن که روش آن حضرت را منحرف کردند و نفس پیامبر ﷺ یعنی امیرمؤمنان علی علیه السلام را کنار زدند، رخ داد.

همه این تجاوزها را علمای تاریخ نقل کرده‌اند. با این حال آیا یزید کفایت سیاسی داشت؟ آیا بنی‌العباس کفایت سیاسی داشتند؟ آیا بنی‌عثمان کفایت سیاسی داشتند؟

کفایت سیاسی امیرالمؤمنین علیه السلام

حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام خطاب به زنان مهاجرین و انصار بر روی این کلمه تأکید کردند: «والطیین بأمر الدنيا والدین؛ آگاهان [و دارندگان بینش نسبت] به امر دنیا و دین». رسول الله ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام کفایت سیاسی داشتند.

امیرالمؤمنین علیه السلام پس از ۲۵ سال خانه‌نشینی و با تمام آن مشکلات داخلی و خارجی که داشتند و سه جنگ بزرگ را پشت سر گذاشتند، ثابت کردند که به بهترین صورت از کفایت سیاسی برخوردار بودند. در همین جنگ‌ها توانایی و مدیریت فوق‌العاده و بی‌نظیر خود را ثابت کردند. رسول خدا ﷺ نیز در ایام حیات مبارکشان کفایت سیاسی خود را به خوبی نشان دادند، اما آن‌هایی که با نام دین در پی نابودی دین بودند اسیر ادعای خویش شدند و جز شعار چیزی برای اثبات کفایت سیاسی خود نداشتند.

از شناخت تا تبلیغ

تأکید می‌کنم که جوانان پیرو رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام در هر جای دنیا که هستند، تاریخ زندگی این دو بزرگوار را بخوانند و در آن صورت در خواهند یافت که در طول تاریخ بشری تنها پیامبر اکرم ﷺ و امیرمؤمنان علیه السلام هستند که کفایت سیاسی را به تمام معنای کلمه‌ی آن، به نمایش گذاشتند. و تاریخ مانند آن دو را هرگز به خود ندیده است. مسلماً اگر این مطالب به

دنیا عرضه شود و آن دو بزرگوار چنان که باید به جهانیان معرفی شوند، مردم، مشتاقانه به آنان خواهند گروید.

امروزه دنیا در نوعی بی‌خبری طراحی شده به سر می‌برد، یعنی ستمگران حاکم بر دنیا از نادانی مردم نسبت به تاریخ رسول خدا ﷺ و اهل بیت آن حضرت ﷺ استفاده می‌کنند و آنان را در نوعی بی‌اطلاعی از حقایق نگه داشته و در عوض، تصویر نادرستی از اسلام به جهانیان ارائه می‌دهند و همچنان این شیوه را دنبال می‌کنند.

زیارت اربعین و سکوت رسانه ها

نمونه عینی آن را بسیاری از مردم دیده‌اند و خیلی‌ها به مناسبت روز اربعین به زیارت امام حسین ﷺ مشرف شده‌اند یا اوصاف آن را شنیده‌اند و برخی نیز اگر نه از نزدیک، از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای مرتبط به اهل بیت ﷺ دیده‌اند. از اول تا بیستم ماه صفر، یعنی اربعین امام حسین ﷺ چه اتفاقی در عراق رخ داده است و تا الآن نیز کمابیش ادامه دارد. این رویداد بزرگ روی کره‌ی زمین

یقیناً بی‌مانند است. به راستی این رویداد بزرگ برای چیست و این شکوه از کجا هدایت می‌شود؟

در مقابل می‌بینیم که رسانه‌های خبری و ماهواره‌های تلویزیونی کفر و رسانه‌های مرتبط به دشمنان اهل بیت ﷺ حتی يك دقیقه از این رویداد عظیم را نمایش ندادند. این در حالی است که اگر در نقطه‌ای دورافتاده از این جهان يك نفر زخمی یا کشته شود ده‌ها بار خبرش را با تفصیل از رسانه‌ها منتشر می‌کنند، اما این جمعیت میلیونی زائران امام حسین ﷺ را در سکوت خبری پشت سر می‌گذارند. این همه زائران را با انفجارهای کور و انتحاری شهید کردند، اما در این باره حتی کلمه‌ای هم نگفتند. این جمعیت میلیونی اعم از پیر، جوان، کودک و بیمار که با اشتیاق، پیاده به سوی کربلای حسینی حرکت می‌کنند، جایی در رسانه‌های دیداری و شنیداری دشمنان اهل بیت ﷺ ندارند. قطعاً این زائران دستمزد خودشان را از خود امام حسین ﷺ می‌گیرند و در دنیا و آخرت پاداش خود را دارند، اما سخن این‌جاست که چرا رسانه‌های مخالف اسلام این همه سکوت خبری و سیاه‌نمایی می‌کنند؟

به گفته‌ی یکی از آقایان دست‌اندرکار شبکه‌های ماهواره‌ای، سه‌هزار شبکه‌ی ماهواره‌ای فعال در کار اطلاع‌رسانی وجود دارد. متأسفانه تعداد بسیار محدودی از این سه‌هزار شبکه‌ی تلویزیونی ماهواره‌ای به مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) مرتبط است.

وظیفه ما

بار فعالیت در این عرصه‌ی مهم برای رساندن پیام اسلام به دنیا بر دوش جوانان و دوستان اهل بیت (علیهم‌السلام) قرار دارد و شما که دنبال خدای متعال، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) هستید و از آنها اطاعت می‌کنید نیز همین بار را بر دوش دارید. بنابراین، هر جای دنیا، در بلاد کفر، در بلاد اسلامی، در کشورهای شیعی، هر جا که هستید باید در پی این اطلاع‌رسانی باشید.

این کار بزرگ و تأثیر گذار سه چیز می‌خواهد:

- تلاش پی‌گیر و خستگی‌ناپذیر؛

- صبر و تحمل مشکلات؛

- اخلاق خوب.

پیروزی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) قطعاً با پشتیبانی معجزه نبوده است و گاهی از باب اقتضا و ضرورت معجزه‌ای نشان می‌دادند. اگر همیشه و در هر حال معجزه می‌کردند که در يك جنگ هفتاد زخم دردناك بر بدن پاك و نازنین امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) وارد نمی‌شد، حمزه عموی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آن گونه قطعه قطعه نمی‌شد و بسیاری جریانات دیگر رخ نمی‌داد. از این رو، ارائه‌ی معجزه بسیار نادر و به قدر اتمام حجت بوده است.

اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

قرآن کریم در موارد بسیاری از منافقان سخن گفته است، از جمله می‌فرماید:

«وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا

عَلَى النَّفَاقِ؛^۱ و برخی از بادیه نشینانی که پیرامون شما هستند

منافقند، و از ساکنان مدینه نیز عده‌ای بر نفاق خو گرفته‌اند».

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۱.

این سخن خدای متعال به روشنی از وجود منافقان در مدینه و گرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هیئت اصحاب سخن می گوید، اما در کنار این قبیل افراد، اصحاب پاک و گوش به فرمان نیز وجود داشتند که از سه خصلت پیش گفته برخوردار بودند.

به مناسبت روز شهادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سعی کنیم با عزمی راسخ این سه ویژگی را در خود پیورانیم و ملکه‌ی خود سازیم.

انسان‌ها با داشتن این سه خصلت سعادت دنیا را برای خویش تضمین کنند. گفتنی است که دنیا در شقاوت معنوی زندگی می‌کند و سخت نیازمند سعادت است و البته رسیدن به سعادت تنها و تنها درگرو آن است که جوانان مؤمن، متدین و معتقد به رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم السلام این سه مورد را بیاموزند و آن را به دیگران نیز آموزش دهند.

در این جا بیان چند ماجرا به عنوان نمونه ضروری به نظر می‌رسد:

صحابی فداکار

ابورافع یکی از اصحاب خوب رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. تاریخ شرح

حال او را به تفصیل ضبط و ثبت کرده و مرحوم محدث قمی رحمته الله در منتهی الآمال بدان پرداخته است. ابورافع می‌گوید: «روزی به دیدن رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم و حضرت را دیدم که دراز کشیده بودند. نمی‌دانستم خواب هستند، یا بیدار و در حال دریافت وحی. ناگهان چشمانم به ماری افتاد که در نزدیکی آن حضرت در حرکت بود، لذا از آسیب رساندن مار به آن حضرت نگران شدم. با خود اندیشیدم که اگر مار را بکشم ممکن است بر اثر سر و صدا حضرت بیدار شوند، لذا تنها راه را در این دیدم که میان مار و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دراز بکشم تا مار مرا نیش بزند و بدین ترتیب آن حضرت از گزند مار در امان باشند».

در روایت آمده است: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال طواف، برای استلام حجر الاسود، دست مبارك خود را داخل آن کردند. در این هنگام عقرب انگشت دست آن حضرت را نیش زد». این مطلب بیانگر آن است که حیوانات هم مانند انسان‌ها خوب و بد دارند. بشر که عقل دارد گاه راه بدی و معصیت را دنبال می‌کند چه رسد به حیوانات.

برای آن که پیامبر ﷺ بیدار نشوند، ابورافع حاضر بود جان خود را به خطر اندازد. این منش، نتیجه‌ی تربیت و اخلاق والای پیامبر ﷺ است.

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام طی خطبه‌ای برای اصحاب خود، زبان به گلایه گشوده، فرمودند: «اگر ما مثل شما عمل می‌کردیم، اسلامی به وجود نمی‌آمد».

امروز هم همین‌گونه است. اگر سرکردگان کفر، اسلام را به خوبی بشناسند چه بسا خودشان مسلمان خواهند شد. از این نمونه‌ها هزارها وجود دارد.

فرجام نیک

ابولهب و ابوجهل، پیامبر اکرم ﷺ را به فراوانی آزرده‌اند. خدای متعال نیز هر دو را در قرآن ذکر کرده است، آن‌جا که می‌فرماید:

«تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ»^۱ بریده باد دو دست ابولهب، و مرگ

بر او باد».

۱. سوره مسد، آیه ۱.

در این آیه و سوره صریحاً از ابولهب سخن گفته، اما درباره‌ی ابو جهل در جای دیگر قرآن بدون آن‌که نام او را ببرد، به کنایه سخن گفته است.

درباره‌ی عکرمه پسر ابوجهل نیز آیه نازل شده است، چراکه او یکی از کسانی است که پیامبر خدا ﷺ را خیلی اذیت کرد. در سیزده سال حضور پیامبر مکرم اسلام ﷺ در مکه، همین ابوجهل و پسرش عکرمه، تا می‌توانستند آن حضرت را آزار دادند. بعد از هجرت به مدینه نیز مشرکین با پیامبر اکرم ﷺ هشت سال جنگیدند. آنها یهودیان، مسیحیان، بادیه نشینان و قبایل دیگر را به جنگ با پیامبر ﷺ تشویق کردند. یکی از همین جنگ افروزان سخت‌کوش کینه‌توز عکرمه پسر ابوجهل بود.

امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام وقتی جریان جنگ‌های پیامبر ﷺ را بیان می‌کردند، گاهی نام همین عکرمه را می‌آوردند. در يك جا حضرت می‌فرمایند: «در جنگ أحد که همه فرار کردند...

«إِنْفَرَدَتْ يَوْمَئِذٍ مِنْهُمْ فِرْقَةٌ خَشَنَاءُ فِيهَا عَكْرَمَةُ بْنُ

أبي جهل؛^۱ به تنهایی می جنگیدم و يك دسته‌ی سخت و جنگاور که عکرمه در میان آنان بود از هم شکافتم».

دو دسته بودند، یکی به فرماندهی خالد بن ولید و دیگری به سرکردگی عکرمه. این دو دسته‌ی جنگی، هم شجاعت فراوانی داشتند و هم تعداد نفراتشان بسیار بود. حضرت می‌فرمایند: «من این دو دسته جنگی را شکافتم و در دلشان فرو رفته و برگشتم». چنان که در بحار الانوار آمده است، عکرمه در فتح مکه مسلمان شد که این خود گواهی بر کفایت سیاسی بی‌مانند رسول خدا ﷺ است، اما متأسفانه دنیا به این روش آسمانی توجه نکرده است. جنگ‌هایی که پیامبر خدا ﷺ انجام دادند و همه‌ی آنها بر آن حضرت تحمیل شده بود، تماماً در اطراف مدینه رخ داد. به دیگر بیان، آن حضرت هیچ وقت لشکرکشی نکردند تا جایی را فتح کنند یا سراغ مردم مکه بروند و این در حالی بود که خود مردم مکه همیشه از هر فرصتی استفاده می‌کردند و مسلمانان را می‌کشتند و

۱. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۱۰۳.

همان‌ها بودند که لشکر کشیدند و جنگ‌های بدر و أحد و احزاب را راه انداختند. لذا می‌بینیم جنگ‌ها غالباً در نزدیکی شهر مدینه بوده است. نگاهی به بحار الانوار و تکرار نام عکرمه در مقوله‌ی جنگ‌ها، ماهیت او را روشن می‌کند.^۱

در فتح مکه، عکرمه با خود اندیشید که پیامبر ﷺ قطعاً او را خواهند کشت. البته در آن زمان، پدرش ابوجهل کشته شده بود، لذا عکرمه در فتح مکه فرار کرد و در جایی پنهان شد، اما همسرش مسلمان شد و به پیامبر اکرم ﷺ گفت: «یا رسول الله، عکرمه از ترس کشته شدن فرار کرده است، خوب است امانش بدهید تا بازگردد».

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: امانش دادم.

همسر عکرمه مدتی در پی یافتن شوهر خود بود و بالاخره او را پیدا کرد و امان‌نامه‌ی پیامبر ﷺ را به او داد. عکرمه برگشت و وقتی پیامبر اکرم ﷺ را دید، از فاصله دور نام آن حضرت را آورد

۱. نام عکرمه بیش از سیصد مرتبه در این اثر آمده است.

و گفت: آیا این زن راست می‌گوید که امانم داده‌اید؟

حضرت فرمودند: بله و عکرمه همان‌جا مسلمان شد.»

کفایت سیاسی یعنی این، نه آدم کشی به سبک بنی‌امیه و بنی‌عباس و بنی‌عثمان. آدم کشتن هنر نیست، هنر آن است که آدم کش را جذب دین کرد.

حضرت زهرا (ع) فرمودند: «والطَّيِّبِينَ بِأَمْرِ الدُّنْيَا وَالِدِينَ» و به حق امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) این گونه بودند. تاریخ زندگی عکرمه و افرادِ مثل او را باید خواند تا دریافت که رسول الله (ص) با کفایت سیاسی رفتار می‌کردند و در نتیجه افرادی مانند عکرمه مسلمان می‌شدند. بعد از آن عکرمه در یکی از جنگ‌ها در راه اسلام کشته شد. هنر آن نیست که دور را دورتر کنیم، یا - نعوذ بالله - آن‌که نزدیک است دورش کنیم. متأسفانه دنیا هنوز به این درک و بینش نرسیده است.

غفلتِ فراگیر

همین‌ها حرکت میلیونی زائران امام حسین (ع) را که با پای پیاده رفته‌اند، نشان نمی‌دهند و البته نیک می‌دانند که این تجمع میلیونی

رویداد بزرگی است و در دنیا بی‌نظیر است. تنها يك مطلب می‌ماند و آن این است که این‌ها نمی‌دانند امام حسین (ع) کیست یا تبلیغات سوء بر آنان اثر گذاشته و تمام ذهن و اندیشه‌شان را عوض کرده است.

در روایت آمده است: «کسانی که به جنگ امام حسین (ع) رفتند، چنان تحت تأثیر تبلیغات سوء قرار گرفته بودند که گمان می‌کردند با این کار به خدا تقرب و نزدیکی می‌جویند.

امام سجاد (ع) در این باره می‌فرمایند:

«...إِذْ لَفَّ إِلَيْهِ ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ، كُلٌّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - بِدَمِهِ...»^۱ سی هزار مرد جنگی برای جنگیدن با امام حسین (ع) حرکت کردند که همگی خود را از همین امت (مسلمان) می‌خواندند و همه با کشتن آن حضرت به خدا تقرب می‌جستند».

۱. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۷۴.

تبلیغات سوء، اسلام را دگرگونه جلوه می دهد، چنان که امروزه نیز همین روال حاکم است و دشمنان، اسلام را نادرست به مردم می نمایند. در گوشه و کنار دنیا به قرآن، به پیامبر اکرم ﷺ، به احکام اسلام و اهل بیت ﷺ بی حرمتی می شود که تا حدی ناشی از عناد و لجاجت است، اما در موارد فراوانی نادانی و نابخردی در این قضیه نیز دخیل است. وقتی که امیرمؤمنان حضرت علی بن ابی طالب ﷺ در محراب مسجد کوفه شهید شدند، عده ای از مردم شام تحت تأثیر دستگاه تبلیغات اموی شگفت زده گفتند: «عجب، علی مگر نماز می خواند؟ مگر مسجد می رفت؟». معاویه این گونه تبلیغ کرده بود. به راستی معاویه که مسلمانان را می کشت، آیا ممکن بود که کفار را مسلمان کند؟ هرگز.

وظیفه ی سنگین جوانان

تبلیغات سوء و بی مهری ها که دنیا در حق اهل بیت ﷺ روا داشته باید به گونه ای برطرف شود. همین لحظه چند میلیون گرداگرد مرقد مطهر امیرالمؤمنین ﷺ در نجف اشرف جمع شده اند یا در

حال بازگشت به شهر و دیار خود هستند، اما همان طور که گفته شد این جریان عظیم را نشان نمی دهند. معرفی این قبیل مراسم های دینی و مذهبی در جلب توجه دیگران به اسلام و آموزه های والای آن فوق العاده مؤثر است. در این میان شما جوانانی که رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ را باور دارید و از عهده این کار به خوبی برمی آید، وظیفه ی روشنگری دارید. جوانی که با بیست سال درس خواندن، تلاش و صبر کردن دکتر حاذقی می شود، قطعاً می تواند با صبر و تلاش و اخلاق خوب به هدف مقدس معرفی درست اسلام و مذهب اهل بیت ﷺ به جهانیان دست یابد. باید توجه داشت که جوانان مؤمن در هر جای دنیا که باشند و این مطالب را شنیده یا خواهند خواند بدانند که قدرت دارند سعادت را به دنیا برگردانند، آری، به سراسر گیتی. روشن باشد که جهانیان سخت نیازمند سعادت دنیوی و اخروی هستند و راه آن تنها همانی است که پیامبر خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ ترسیم فرموده و با عمل خود شیوه اعمال آن را به ما آموخته اند، یعنی برخورداری همزمان از کفایت سیاسی و کفایت دینی.

راز ساختار جمله ی حضرت زهرا سلام الله علیها

در عبارت «وَالطَّيِّبِينَ بِأَمْرِ الدُّنْيَا وَالْدِينِ» حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) حساب شده، لفظ دنیا را بر دین مقدم داشته‌اند، چون به خوبی می‌دانستند که دین مهم‌تر از دنیاست و بر آن تقدم دارد، اما راه رسیدن به دین، اصلاح دنیا و معیشت مردم است. به دیگر تعبیر، هرگاه سعادت دنیایی مردم تأمین و دنیای‌شان آباد شود، در آن صورت مشتاق دین می‌شوند و قطعاً دنبال دین خواهند آمد.

دنیای آشفته ی مسلمانان

مسلمانان ۱۳۰۰ سال زندگی کردند، در حالی که نه گذرنامه‌ای داشتند و نه شناسنامه و نه کارت شناسایی و مدارک هویتی و مرزهای جغرافیایی کشورهای اسلامی فعلی نیز در میان نبود، اما مسلمانان با سعادت و آسایش می‌زیستند. تنها چیزی که وجود داشت مرز جغرافیایی میان کشورهای اسلامی و کشورهای غیر اسلامی بود. این محدودیت‌ها و مرزبندی‌ها در قرآن نیامده است، بلکه قرآن عکس این را خواسته، می‌فرماید:

«فَامْشُوا فِي مَنَآكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ...»^۱ پس در فراخنای

آن [=زمین] رهسپار شوید و از روزی خدا بخورید».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز این را فرموده، بلکه به سیر و سفر تشویق و ترغیب کرده‌اند. این محدودیت‌هایی که بر مسلمانان و کشورهای اسلامی تحمیل شده، دستاورد شوم کشورهای کافر و استعمار گراست. شگفتا که طراحان این سیاست برای مسلمانان، خود در حال حذف محدودیت‌های جغرافیایی میان کشورهای خود هستند و بسیاری از آن‌ها از این امور دست برداشته‌اند. آیا این شقاوت و بدبختی نیست؟ هر سال چند هزار میلیارد پول خرج همین چیزها می‌شود؟ چند هزار میلیارد ساعت از وقت مسلمانان تلف این امور می‌شود؟ آیا با این کارها سعادت به دست می‌آورند؟ دنیای غفلت زده از ماهیت شوم این امور بی‌خبر است. حذف محدودیت‌ها و گسترش آسایش و آزادی، اساس و بنیادی است که پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) پی نهادند و به ما

۱. سوره ی مَلِك، آیه ۱۵.

آموختند و البته در آغاز در تمام ابعاد سیاسی و مدیریتی خود بدان عمل کردند.

سیاست نبوی

منظور از سیاست، سیاست امروزه دنیا نیست، چون در کتاب‌های دینی از این سیاست به شیطنت تعبیر می‌شود، بلکه منظور، سیاست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در دعاها و زیارت‌های اهل بیت علیهم السلام از آن یاد می‌شود، از جمله در زیارت جامعه کبیره آمده است که می‌فرماید:

«**وساسة العباد**؛ [و امامان علیهم السلام] سیاست گزاران و اداره کننده‌ی امور بندگان خدا هستند».

صحابی فداکار

بیست و پنج سال پس از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام حکومت ظاهری را به دست گرفتند و دشمنان آن حضرت جنگ جمل را به راه انداختند، بصره را به تصرف درآوردند، والی ایشان بر بصره را کشتند و فساد و تباهی و ظلم برپا کردند. پس از آن که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به کوفه تشریف بردند، ابورافع از جمله

کسانی بود که به همراه آن حضرت وارد کوفه شد. ابورافع در مدینه همه چیز داشت: زمین، خانه، باغ و... او تمام دارایی خود را فروخت و در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام به کوفه آمد و پس از شهادت آن حضرت، به اتفاق امام حسن مجتبی علیه السلام و در حالی که تهی دست بود به مدینه بازگشت. مفصل این مطلب در منابع تاریخی و نیز در بحارالانوار آمده است.

گهر کمیاب

به راستی امروزه چند نفر را می‌توان یافت که مثل ابورافع در راه خدا و اهل بیت علیهم السلام تمام دارایی خود را پیش کش کنند؟ آیا کسی یافت می‌شود بتواند مثل او تشخیص دهد که باید در راه اسلام همه چیزش را بدهد؟ چهل سال قبل در جایی می‌خواندم که بیش از سه هزار نفر میلیاردر مسلمان وجود دارد. تنها یکی از همین میلیاردرها می‌تواند دنیا را به خوبی متحول سازد، بدین ترتیب که در اطلاع رسانی جهانی فعالیت و تبلیغات اسلامی را برجسته کند. همین که تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را نقل کند، دنیا را

عوض خواهد کرد. هرگاه بعضی از مردم در این امور تردید کنند، بالاخره انسان‌های فرهیخته و روشن ضمیر توجیه‌شان می‌کنند و جوامع بشری به درستی این حرف‌ها پی برده، به تدریج فرهنگ اسلامی فراگیر خواهد شد.

ابورافع تهی دست به اتفاق امام حسن مجتبی علیه السلام به مدینه بازگشت. در روایت آمده است که آن حضرت خانه امیرالمؤمنین علیه السلام را که در مدینه داشتند، نصف کردند و نیم آن را به ابورافع دادند.

خَبَّاب دیگر صحابی والای رسول خدا ﷺ بود. مشرکان در ایام حضور پیامبر ﷺ در مکه، سخت شکنجه‌اش می‌دادند و او را به صورت روی زمین می‌خوابانند و هیزم سوزان روی کمرش می‌گذاشتند. چند سال بعد از شهادت پیامبر خدا ﷺ روزی چند نفر از مسلمانان از او خواستند تا محل شکنجه‌هایش را به آنان نشان دهد. او پیراهنش را بالا گرفت و دیدند که بر اثر شکنجه شیارهایی روی کمر او پدید آمده است. او در راه خدا این‌گونه

زیبا صبر کرد. اصحاب با این رنج‌ها و مشکلات طاقت فرسا باز هم از رسول خدا ﷺ دست برنداشتند. البته نباید غافل بود که والایی‌های آن حضرت آنان را مقاومتی این چنینی بخشیده بود.

ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام

پیامبر خدا ﷺ سیزده سال در مکه مکرمه تشریف داشتند که سه یا چهار سال این دوره را در شعب ابوطالب علیه السلام در سخت‌ترین حالت‌ها گذراندند. آن حضرت در آن مدت همواره گرفتار سختی، شکنجه و رنج بودند. سه سال در شعب، یعنی بیش از هزار شب که شرایطی به تمام معنای کلمه، دشوار است. در این سه چهار سال چنان که در روایت آمده حضرت ابوطالب علیه السلام بعضی از شب‌ها چندین بار جای پیامبر اکرم ﷺ را تغییر می‌داد. مثلاً اول شب پیامبر ﷺ را در جایی می‌خوابانید و چند ساعت بعد جای حضرت را عوض می‌کرد تا مبدا مشرکان جای آن حضرت را مشخص کنند و با استفاده از تاریکی شب به ایشان آسیب برسانند. زمانی که پیامبر ﷺ در مکه هم بودند اذیت و آزار فراوانی دیدند. امام صادق علیه السلام

درباره‌ی سختی‌هایی که بر پیامبر اکرم ﷺ رفته بود، می‌فرمایند: «رسول خدا ﷺ همیشه یا گرسنه بودند یا خائف».

در مدینه منوره تشریف آوردند و حکومت بی‌نظیر اسلام را پایه‌گذاری کردند خودشان رئیس حکومت بودند، اما این‌گونه نبودند که در جایی بنشینند و دیگران از ایشان حراست کنند، بلکه تمام کارها را خود آن حضرت انجام می‌دادند و همه کارها تحت نظر مستقیم خودشان بود. همیشه در جنگ و هراس بودند. هشتاد و چند غزوه و سریّه را در این هشت نه سال پشت سر گذاشتند. بنابراین سهم پیامبر اکرم ﷺ در سه ویژگی تلاش، صبر و خوش اخلاقی بیش از همه بود. از این روی باید حضرتش را الگوی خویش قرار دهیم، چرا که خدای متعال به این امر دستور داده، آن‌جا که می‌فرماید:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۱ در رسول

خدا ﷺ [برای شما الگوی نیکویی وجود دارد].

۱. سوره احزاب، آیه ۲۱.

پس باید از صبر بی‌نظیر، تلاش‌های طاقت فرسا و اخلاق عظیم رسول گرامی اسلام ﷺ الگو بگیریم تا رهروی صادق برای آن حضرت باشیم.

اخلاق والای پیامبر صلی الله علیه وآله

هنگامی که پیامبر مکرم اسلام ﷺ از مکه به مدینه مهاجرت کردند یکی از خویشاوندان‌شان خانه‌ی آن حضرت را فروخت و پولش را وارد معاملات ربوی کرد. بعد از مدتی در یکی از جنگ‌ها اسیر شد و سرانجام اسلام آورد. پیامبر اکرم ﷺ هرگز از او نپرسیدند که خانه و پولم کجاست؟ چرا فروختی؟

رسول خدا ﷺ در امور شخصی، در معاشرت و دیگر امور اسوه و الگو هستند. اگر در طول تاریخ کسی کفایت سیاسی داشته، قطعاً پیامبر خدا ﷺ و امیرالمؤمنین (ع) بوده‌اند. حضرت در عین این‌که رئیس حکومت بودند، غذای خود را به اصحاب صفا (فقرای مدینه که در گوشه‌ی مسجد می‌زیستند) می‌دادند و خود گرسنه می‌ماندند، در سه وقت نماز جماعت می‌خواندند و جنگ‌ها را اداره

می کردند و سخنرانی های ارشادی فراوانی ایراد می فرمودند که این امر از کفایت سیاسی بی مانند حضرتش حکایت دارد.

در روایت آمده است: «روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به منزل حضرت زهرا علیها السلام آمدند - که در مدینه بودند نه در مکه - و فرمودند: من سه شبانه روز است که هیچ چیزی نخورده ام.^۱

این رئیس حکومت با تمام درآمدهای دولتی که در اختیار دارد و تام الاختیار نیز هست، اما با این وجود برای خود کاخی نسازد، اشیاء گران قیمت نخرد، لباس های فاخر نپوشد، فراتر این که سه شبانه روز هیچ غذایی حتی يك نصف خرما برای خوردن نداشته باشد، از چه حکایت دارد؟ آیا در مدینه غذایی نبود؟ که این گونه نبود، اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشته ی خود را به دیگران می بخشیدند. بنابراین تمام پیروان اهل بیت علیهم السلام با گفتار و رفتار خود، این پیامبر را به جهانیان معرفی کنند و مطمئن باشند که با شناختن والایی های رفتاری حضرتش راه او را خواهند پیمود.

۱. نك: بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۵.

داستانی از مرحوم بلاغی به یاد آمد که به حدود هفتاد سال قبل باز می گردد و مرحوم والد (حضرت آیت الله العظمی حاج سید میرزا مهدی حسینی شیرازی رحمته الله) که از شاگردان ایشان بودند برایم نقل کردند. ایشان فرمودند: «مرحوم شیخ محمد جواد بلاغی یکی از علمای بزرگ اسلام، دو کتاب درباره ی اسلام و مسیحیت و یهودیت نوشته است. مرحوم بلاغی می گفت: «نسخه ای از این دو کتاب را برای بعضی از کشورهای غیراسلامی فرستادم. بعد از مدتی یکی از علمای غیرمسلمان که در پی مطالعه ی آن دو کتاب مسلمان شده بود نامه ای برایم به این مضمون نوشت: «شما مسلمانان این گنجینه های علم و معرفت را دارید و دنیا را محروم کرده اید؟ چرا چنین جنایتی را مرتکب می شوید؟!».

آن روزها همه جای دنیا دیکتاتوری حاکم و دروازه های کشورها بسته بود، اما اکنون که این همه آزادی و امکانات ارتباطی وجود دارد، چرا این کار را نکنیم. باور کنیم که می توان این کار را کرد. البته می پذیرم که زحمت دارد، صبر می طلبد و اخلاق والا

می‌خواهد، اما کاملاً شدنی است. باید مشکلات را تحمل کرد تا بتوان مانند ابورافع شد؛ همو که تمام دارایی‌اش را در راه اسلام بخشید. غافل نباشیم که ابورافع نه امام بود و نه پیامبر، بلکه یکی از اصحاب خوب رسول خدا ﷺ بود.

عرضه اسلام به جهان

دنیای امروز باید در پی فهم راه و روش پیامبر مکرم اسلام ﷺ باشد تا به سعادت برسد. سرِ نخِ این امر اطلاع رسانی و گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای مرتبط به اهل بیت علیهم‌السلام است. باید مطالب اسلامی و راه و روش حضرت رسول ﷺ و امیرالمؤمنین علیه‌السلام را به دنیا برسانیم تا نتیجه بگیریم. بیان خلاصه‌ی قطعه‌ای تاریخی که بحارالانوار نیز آن را نقل کرده با موضوع مناسب دارد. در آن‌جا آمده است: «متوکل از سامرا به دمشق رفته تا برای تفریح و تغییر آب و هوا مدتی کوتاه در آن‌جا بماند».

بنا به نقل تاریخ، پس از اتفاقاتی او به خانه‌ی مخصوص کنیزکان خود رفت. این بدان معناست که او برای سفر چند روزه‌ی خود نیز

خانه‌ای مخصوص کنیزکان خود ساخته بود تا در هر لحظه که مایل باشد به خوشگذرانی بپردازد. مسلماً همین عمل بنی‌امیه و بنی‌عباس و مانند آن نمی‌گذاشت دنیا مسلمان شود. اصلاً کسی که در پی کفایت سیاسی است می‌تواند به گردش و تفریح برود؟ اینان خود را خلیفه‌ی پیامبر ﷺ می‌خواندند، ولی در عمل در پی تبهکاری و فساد و ظلم بودند. ممکن نیست چنین افرادی نماینده و خلیفه رسول خدا ﷺ باشند؟ چرا که با اخلاق و منش والای آن حضرت هزاران هزار فرسنگ فاصله دارند و از کمترین سجایای اخلاقی حضرتش بی‌بهره‌اند، لذا نمی‌توانند صبر و اخلاق عظیم رسول الله ﷺ را در جامعه انعکاس دهند و طبیعی است که مردم با دیدن چنین افرادی از اسلام بیزار شوند و به کفر بگردند.

در دنیای امروز جای الگو و اسوه‌ی حسنه که همان راه و روش پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است خالی است و البته جهانیان سخت نیازمند چنین الگویی هستند. برهمگان، به ویژه جوانان دلسوز شیعه است که در حد توان خود این‌خلاف را پر

کنند. البته چنین حرکتی همت همه جانبه می طلبد که باید از هم اکنون دست به کار شد تا در آینده، حتی اگر طول بکشد، به موفقیت رسید.

شبکه های ماهواره ای را گسترش دهیم

امروزه میلیون ها زائر حسینی پیاده و سواره به زیارت کربلای معلا می روند و بزرگ ترین حماسه ی حضور را رقم می زنند، اما هزاران شبکه ماهواره ای جهانی حتی يك ثانیه از آن را گزارش نمی کنند. ما نباید منتظر باشیم تا آن ها این رویداد بزرگ را به رخ جهانیان بکشند، بلکه باید جوانان مؤمن اقدام کرده، و این کار را به انجام برسانند، و مطمئن باشند که فرزندان جوان بیگانگان با اسلام، اسلام را می پذیرند و به خدای متعال و رسول اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ایمان می آورند و دوستدار اهل بیت ﷺ می شوند. جوانان امروز و فرزندان همین رؤسای حاکم بر دنیا عوض می شوند، همان گونه که در تاریخ چنین رویدادهایی فراوان چهره نموده است.

امید هستی

این دنیا را روزی کسی باید تغییر دهد و سعادت بشر را فراگیر کند. او آقا و مولایمان حضرت بقیه الله الأعظم مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه است و زمانی که تشریف می آورند دنیای امروزی را عوض می کنند و حکومتی بی سابقه و بی نظیر تأسیس خواهند کرد، اما نمی دانیم که آن روز کی خواهد بود. امیدواریم و دعا می کنیم که زودرس باشد و توفیق بیایم از جمله کسانی باشیم که در رکاب آن حضرت حضور یابیم. خدای تبارک و تعالی اراده فرموده که تنها معصومین علیهم السلام از روز ظهور آگاه باشند. بنابراین خود آن حضرت عجل الله تعالی فرجه می دانند که در چه روزی ظهور خواهند کرد. علامه مجلسی رحمته الله علیه می گوید: «از علامات، چنین برداشت می شود که امیدواریم ما ظهور حضرت را درك نماییم».

در هر حال روزی حضرت ظهور می کنند، اما مسأله این است که بدانیم چه وظیفه ای داریم؟ باشد که گامی در راه ایجاد جامعه ای سعادت مند برداشته باشیم.

سخن پایانی

در پایان تأکید می‌کنم وظیفه‌ی مسلّم ما پیروان و دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام در چنین روزی (سالروز شهادت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) این است که هریک به قدر توان خود سعی کنیم با عزمی راسخ سه ویژگی پیش گفته که عبارت بودند از تلاش و خستگی‌ناپذیری، صبر و تحمل مشکلات و اخلاق والا را در خود پیورانیم و ملکه‌ی خود سازیم تا بتوانیم تاریخ به عمد مجهول نگاه داشته شده‌ی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نفس آن حضرت، یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام را در کشورهای اسلامی و در سایر کشورها تعریف کنیم و به دنیا برسانیم. مطمئن باشیم که همین عمل، دنیا را عوض می‌کند و به سعادت می‌رساند. امیدوارم خدای تبارک و تعالی همگی را موفق بدارد.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين

فهرست

سخنان حضرت زهرا علیها السلام در واپسین دم	۶
جوانان و ضرورت مطالعه‌ی سخنان اهل بیت علیهم السلام	۶
نمونه‌ای از سخنان حضرت زهرا علیها السلام	۷
دنیا و دین‌شناسی	۸
کفایت سیاسی	۹
آغاز انحراف	۱۰
ریاکاری حاکمان خودسر	۱۱
راه شناخت حق از باطل	۱۲
نمونه‌ای از جنایات یزید	۱۴
کفایت سیاسی امیرالمؤمنین علیه السلام	۱۵
از شناخت تا تبلیغ	۱۶
زیارت اربعین و سکوت رسانه‌ها	۱۷
وظیفه ما	۱۹
اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله	۲۰
صحابی فداکار	۲۱
فرجام نیک	۲۳
غفلتِ فراگیر	۲۷

وظیفه‌ی سنگین جوانان	۲۹
راز ساختار جمله‌ی حضرت زهرا علیها السلام	۳۱
دنیای آشفته‌ی مسلمانان	۳۱
سیاست نبوی	۳۳
صحابی فداکار	۳۳
گهر کمیاب	۳۴
ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام	۳۶
اخلاق والای پیامبر صلی الله علیه و آله	۳۸
عرضه اسلام به جهان	۴۱
شبکه‌های ماهواره‌ای را گسترش دهیم	۴۳
امید هستی	۴۴
سخن پایانی	۴۵